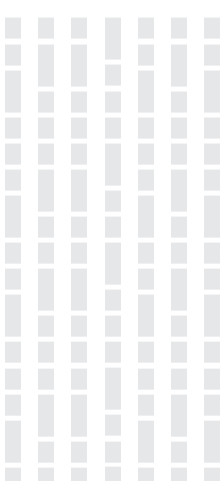


<span><span><span></span></span></span>
چهارشنبه ۳۰ آبان ۱۴۰۳
شماره ۴۲۸۴
<span><span><span></span></span></span>
FARHIKHTEGANDAILY.COM
<span><span><span></span></span></span>
FARHIKHTEGANONLINE



فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

فرهنگ

نگاهی انتقادی به معادلات صنعت فیلم و سریال اینترنتی و سروصدای رسانه‌ای آن

# تا اطلاع ثانوی پلتفرم جدید نداریم!



مصطفی قاسمیان خبرنگار

روشن است که این روزها با وجود گیشه‌های چندده میلیاردی کمدی‌های سینمایی و حجم بالای محتوای تولیدی تلویزیون در قالب‌های مختلف، عرصه فیلم و سریال بیش از هرچیز تحت‌تأثیر نمایش خانگی قرار دارد و پلتفرم‌های وی‌اودی با جذب سرمایه، ستاره و سریال‌ساز و سروصدای زیاد تولیدات، بیش از رقیبا در اخبار و اظهارنظرها حضور دارند. کار به جایی رسیده که عده‌ای از فعالان



## اوضاع نامناسب ۳ پلتفرم

اگر پلتفرم های وی‌اودی اصلی بازار را پخش‌کنندگان سریال‌های اختصاصی ماه‌های اخیر در نظر بگیریم، تنها با یک ۵ ضلعی مواجه می‌شویم که شامل فیلمو، فیلم‌نت، نماوا، تماشاخونه و رویکاست. به شکلی جالب توجه، ۳ سرویس از این ۵ بازیگر اصلی بازار، چند ماهی است که محتوای خاصی ندارند و اوضاعشان خوب نیست. تماشاخونه به کلی در حالت اغما قرار دارد؛ از طرفی فصل دوم سریال «هفت» را پخش نمی‌کند و از سوی دیگر با وجودی که مدت‌ها برای قسمت آخر «آمستردام» تماشاگرانش را منتظر گذاشته، به کلی آن را از دسترس خارج کرده و گویی دیگر نسبتی با آن ندارد؛ از سریال‌های دیگری هم که گفته می‌شد قرار است توسط تماشاخونه پخش شود، مدت‌هاست خبری وجود ندارد. وضعیت نماوا کمی بهتر است و بعد از یکی دو ماه پروتق ابتدای سال که با «اکازیون» و «جنگل آسفالت»



## باز هم دوقطبی

با توجه به آنچه در بند قبل گفته شد، آرایش امروز نمایش خانگی باندکی تفاوت، تقریباً همان آرایشی است که پیش از ورود سرمایه گلرنگ به فیلم‌نت وجود داشت. در آن زمان برای ۴،۲ سال دوقطبی میان فیلمو و نماوا وجود داشت و حالا این دوقطبی به فیلمو - فیلم‌نت تغییر کرده؛ باز هم با برتری نسبی فیلمو. عملاً بازار همان دوقطبی است که قبلاً بود و گویی آب از آب تکان نخورده. همین حالا ۷۰ یا ۸۰ درصد محتوای تولیدی پلتفرم‌ها متعلق به این دو پلتفرم است و اغلب نکات مثبت و منفی به همین دو سرویس



### نگاهی به اقبال مخاطبان ایرانی به کتاب‌های جنایی

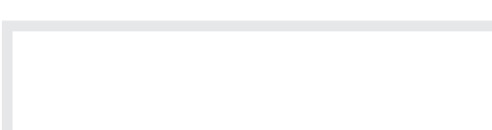
# صحنه جرم، ورود ممنوع



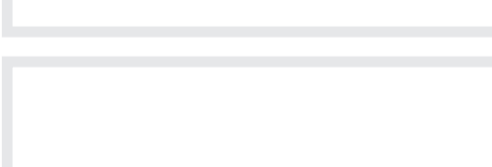
ایمان عظیمی خبرنگار گروه فرهنگ

هفته کتاب و کتابخوانی است. بازار نشر همه‌ساله از ۲۳ آبان تا ۳۰ آبان برای جذب خواننده و فروش کتاب به تکاپو و جنب‌وجوش می‌افتد و سنت زیبای تخفیف ۱۰ تا ۳۰ درصدی هم شامل کتاب‌خوان‌ها می‌شود، اما در نگاه به آثار برگزیده خوانندگان ایرانی به واقعیت جالبی برمی‌خوریم که بیان آن برای روشن کردن مسئله اصلی در این یادداشت خالی از لطف نیست. براساس آمار کتاب‌های به امانت گرفته‌شده در آبان ماه سال ۱۴۰۰ اغلب خوانندگان کتاب به سمت آثار دینی و کودک و نوجوان تمایل داشته‌اند و خبری از حضور رمان‌های جنایی و ادبیات جرم در میان ۹ عنوان برگزیده و محبوب نبوده است. می‌توان با ساده‌سازی به این سؤال که چرا ایرانیان روی خوشی به داستان‌های جنایی - به‌ویژه رمان‌های بومی خودشان - نشان نمی‌دهند جواب داد که این آثار در خط سلیقه جماعت کتابخوان ما قرار ندارند و آن‌ها ترجیح می‌دهند برای مرتفع کردن نیازهای خود سراغ‌قفسه‌های دیگر بروند، ولی باید توجه داشت که «سلیقه» توسط دست‌اندرکاران امر و سیاست‌گذاران فرهنگی تربیت پیدا می‌کند و خوانندگان در اعمال و انتخاب کتابی که قصد خواندن آن را دارند تابعی از نظر ناشران و مدیران دولتی هستند و به خودی خود چندان حقی برای انتخاب بی‌واسطه کتاب‌هایی که ممکن است دوست داشته باشند ندارند. در این شرایط است که ادبیات ژانر و به‌طورکُل ژانر جنایی و گونه‌های وابسته به آن از چرخه انتخاب مخاطب کنار گذاشته شده و

این عرصه، حتی پلتفرم‌ها را لیگ برتر عرصه تصویر می‌دانند و سینما و تلویزیون را دسته یک و دو معرفی می‌کنند! خصوصاً گرم کردن چند پلتفرم جدید که در حال آماده‌سازی محتوا برای ورود به عرصه پخش سریالند، امیدواری‌های زیادی را نسبت به آینده این صنعت به وجود آورده؛ چراکه عده‌ای گمان می‌کنند قرار است ۵، ۶ فیلمو و فیلم‌نت دیگر راه‌اندازی شود. با این حال، به نظر می‌رسد نگاه‌ها به این عرصه -خصوصاً درباره پلتفرم‌های وی‌اودی جدید- زیادی خوشبینانه است و ماجرا به این سادگی که تصور می‌شود، نیست؛ خصوصاً با توجه به تجربیات قبلی.



گذشت، ماه‌های اخیر را با ۶ قسمت برنامه کم‌تر دیده شده «کنسرتینو» و سریال «غربت» گذرانده؛ آن هم در حالی که گفته می‌شد «غربت» متعلق به پلتفرمی دیگر بود و مدیران نماوا در نبود سریال اختصاصی، مجبور شدند آن را آماده خریداری کرده و پخش کنند! اکران‌های آنلاین این پلتفرم نیز در ۶ ماه اخیر از یکی دو عنوان فراتر نرفته و در این زمینه هم حرف خاصی برای گفتن ندارد. روییکا هم بعد از دو سریال بسیار کم‌نام‌ونشان و کم‌پیننده «آقای خنده» و «شهر هرت» در ابتدای سال -که بسیاری حتی نام آن‌ها را نشنیده‌اند- محتوای اختصاصی دیگری ندارد و برنامه تجاری خود را با پخش آثار دیگر پلتفرم‌ها پیش می‌برد و بخش فیلم و سریال آن، عملاً تجمیع فیلم‌نت و محتوای اندک نماواست. روییکا البته پخش زنده پروپیمانی دارد و در این زمینه، از اغلب پلتفرم‌های دیگر پیش‌افزاده است.



بازمی‌گردد. اتفاق عجیب آن که در روزهای اخیر عده‌ای حتی می‌گویند ممکن است گلرنگ سرمایه‌اش را از فیلم‌نت بیرون بکشد؛ شایعاتی که خصوصاً با توجه به موفقیت نسبی این پلتفرم در عبور از نماوا نمی‌توان روی آن تکیه کرد. با این حال، مهم است که در این شرایط، چنین سخنانی خریدار دارد، یعنی برخی تماشاگران حتی فیلم‌نت، دومین بازیگر بازار را نیز به اندازه کافی موفق نمی‌دانند که به مدیران گروه صنعتی گلرنگ برای خروج سرمایه‌شان از این سرویس حق بدهند.



نگاهی انتقادی به معادلات صنعت فیلم و سریال اینترنتی و سروصدای رسانه‌ای آن

# تا اطلاع ثانوی پلتفرم جدید نداریم!

## بازیکنان جدید در حال گرم کردن

با این احوالات، درباره ۵ یا ۶ پلتفرمی که این روزها در حال آماده‌سازی محتوای اختصاصی‌اند، خیلی صحبت می‌شود. شیدا متعلق به بانک‌گردشگری و نزدیک به سیدمحمد امامی سرمایه‌گذار زندانی «شهرزاد»، استارت‌نت متعلق به گروه صنعتی میهن، آی نت با مدیریت محمد صراف مدیرعامل سابق فیلم‌نت، نبراس متعلق به علی طلوعی سرمایه‌گذار متمول سینما و نمایش خانگی و البته ایما، ۵ پلتفرمی‌اند که از آن‌ها زیاد نام برده می‌شود. با این حال نکته قابل توجه آن که اغلب این پلتفرم‌ها، از آفریون بریک سال پیش در رسانه‌ها دیده شده‌اند، اما در دنیای واقعی خبری از آن‌ها نیست! اگرچه می‌توان مطمئن



## بپاتماشاخونه نشی!

اگر فرض کنیم سایر پلتفرم‌های یادشده تا یکی دو سال دیگر واقعاً با محتوای جدید در دسترس قرار می‌گیرند، باز هم بیم آن وجود دارد که به سرنوشت تماشاخونه دچار شوند؛ به یک دلیل ساده، اغلب آن‌ها محتوای بسیار کمی دارند و بعد از یکی دو عنوان سریال جدید، دوباره دست خود را خالی خواهند دید. به بیان دقیق‌تر، تقی پلتفرم‌های جدید در شرایطی می‌توانند دست به یک رقابت واقعی با فیلمو و فیلم‌نت بزنند که پیش از شروع، ۷ یا ۸ سریال آماده یا در حال تولید داشته باشند. چون نخستین سریال بعد از ۲ یا ۳ ماه به پایان می‌رسد و مخاطبان منتظر



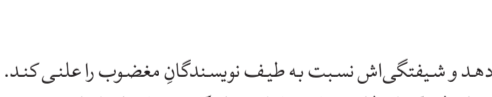
## ۳ پلتفرم اشتراکی؟

همه این‌ها در حالی است که بنپذیریم صنعت وی‌اودی در ایران، کشش سه بازیگر با اشتراک ماهانه ۱۵۰ هزار تومانی را داراست. طی سال‌های اخیر دیدیم که این توقع درستی نیست و همزمان با بالاآمدن فیلم‌نت با سریال‌های جدید، نماوا به‌تدریج تماشاگرانش را از دست داد و اوضاعش به قدر سابق خوب نشد. شاید به همین دلیل بود که مدیران آسیاتک تصمیم گرفتند از ابتدا پلتفرم تماشاخونه را با برنامه تجاری AVOD راه‌اندازی کنند؛ یعنی به کاربران اشتراک نفروشدند و محتوای تماشاخونه را رایگان در اختیارشان قرار



## ساترا این بار به هدف زد

نکنه آخر آنکه در این میان به عملکرد ساترا نیز ندهای زیادی وارد می‌شود. عده‌ای معتقدند تنظیم‌گر پلتفرم‌های وی‌اودی نباید مجوزهای فراوانی برای مدعیان صادر کرده و شاید حتی مخاطبان را گیج کند! حقیقت اینجاست که از قضا عملکرد ساترا در اعطای مجوزهای پرتعداد به درخواست‌های راه‌اندازی پلتفرم وی‌اودی، با آنچه که از سازوکار بازار می‌شناسیم، همخوانی دارد. در شرایط طبیعی بازار، کسانی که می‌خواهند کسب‌وکاری راه‌اندازی کنند، باید بتوانند به سرعت و راحتی به نتیجه برسند و بدون استفاده از رانت یا حمایت ویژه دولتی، امکان رقابت با دیگر بازیگران



دهد و شیفتگی‌اش نسبت به طیف نویسندگان معضوب را علنی کند. همان‌طور که انتظار می‌رفت «فیل در تاریکی» در فضای انقلابی دیده و آن‌طور که شایسته‌اش بود خوانده نشد ولی این برای اولین‌بار بود که ادبیات جرم در ایران ساختاری محکم و جدی و به خود می‌گرفت و از شر قصه‌های تکراری و ساده پلیسی پاورقی‌نویسنانی همچون «امیر عشیری» و «محمّد تهرانی» خلاص می‌شد. اما چرآن تجربه «فیل در تاریکی» در ادامه چراغ راه جنایی‌نویسان نشد و به مدت ۴۰ سال نادیده گرفته شد؟ هاشمی‌نژاد منتقد ادبی کاکشسته و باسوادی بود که در نوشته‌های خوشی آنچنان منزلی برای برتری فرم نسبت به محتوا و همچنین محتوا نسبت به فرم قائل نمی‌شد و به تعادل این دو مفهوم باور داشت و به همین دلیل هم بود که قلم و نگاه بسیاری را به کل منکر می‌شد و در مواجهه با برخی دیگر منعطف بود. او فیل در تاریکی را در پاسخ به جریان فرمالیستی‌اصفهان و پس از نامآمیدی از هوشنگ گلشیری به رشته تحریر درآورد ولی دست روزگار و اتفاقاتی که بازی‌های سیاسی خارج از قواعد داستان‌نویسی رقم زد، سنگین شدن کفه ترازو به نفع جریان فرمالیستی را در پی داشت و همین باعث شد که دیگر تا سال‌ها رد نشانی از رمان‌ها و داستان‌های جنایی در صنعت نشر ایران باقی نماند. هاشمی‌نژاد بیان می‌کرد که اکثر نویسندگان ما به دلیل نشناختن پلات هیچ درکی از داستان‌گویی و داستان‌نویسی ندارند و مدام خط عوض می‌کنند (نقل به مضمون، البته وقوع جنگ تحمیلی و همین‌طور ایست کامل هاشمی‌نژاد در نوشتن رمان‌های پلیسی و جنایی هم در وقوع این اتفاق بی‌تأثیر نبود ولی باندی که گروه مقابل به مدد سوار شدن بر موج اتفاقات و جنبش‌های اجتماعی

بود بعضی بالاخره در دسترس قرار خواهند گرفت، ولی به نظر می‌رسد سروصدای رسانه‌ای آن‌ها بیش از حضور واقعی‌شان است و تا زمانی که واقعاً محصولی به تماشاگران ارائه ندهند، نمی‌شود رویشان حساب کرد. آن هم در شرایطی که یکی از پلتفرم‌های جدید با عنوان «پلی» مدتی است که معلق شده و شاید هیچ‌گاه رسماً آغاز به کار نکند. پلی ژالیتهی شوی «جیج» را که قرار بود با حضور سیامک انصاری تولید شود، لغو کرد و مدت‌هاست سایش به‌روزرسانی نشده است. به نظر می‌رسد اولین پلتفرم جدید، نیامده شکست خورده؛ سرنوشتی که دیگران را نیز تهدید می‌کند.



## بپاتماشاخونه نشی!

آثار بعدی‌اند و تولید یک سریال نمایش خانگی ۱۵ قسمتی، در کمترین حالت به ۵ ماه زمان نیاز دارد. حال کدام‌یک از این پلتفرم‌ها از چنین دپوی بزرگ محتوایی برخوردارند؟ حتی پلتفرم شیدا که به نظر به انتشار اولین محتوا نزدیک‌تر می‌رسد، در شرایطی خواهد توانست دوقطبی امروز را بشکند که سالانه لااقل ۱۰ سریال جدید منتشر کند و در این صورت، الان باید حداقل ۴ یا ۵ اثر در حال تولید داشته باشد که ندارد! بنابراین انتظار تغییر معادلات صنعت وی‌اودی حداقل تا یک سال آینده، چیزی جز یک انتظار خام نیست.



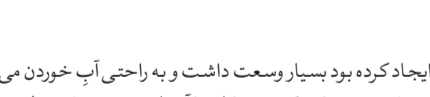
## ۳ پلتفرم اشتراکی؟

دهند. از سوی دیگر مسئله اعتماد مخاطب نیز مهم است؛ چراکه حالا با وجود چند پلتفرم ناپدید و شکست خورده، آیا کاربران برای خرید اشتراک‌های بیش از یک‌ماهه، به صاحبان پلتفرم‌ها اعتماد خواهند کرد؟ آن‌ها پیش از خریداری اشتراک، از خود خواهند پرسید تماشاخونه که از پشتیبانی یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات اینترنتی با دیتاسترترهای بسیار قدرتمند و بزرگ بهره‌مند بود، به جایی نرسید؛ چقدر ممکن است این پلتفرم‌های جدید برسند؟



## ساترا این بار به هدف زد

بخش خصوصی را داشته باشند. با وقوع این اتفاق، بازار بدون دخالت‌های بیرونی می‌تواند به تعادل برسد؛ کم‌کم پلتفرم‌های قوی‌تر با پشتوانه مالی بهتر، محصولات جذاب‌تر و مدیریت هوشمندانه‌تر می‌توانند از بازار سهم بیشتری بگیرند و در عرصه بمانند. اگر به این مهم موفق نشوند، شکست خواهند خورد و از بازار بیرون خواهند رفت. در این شرایط طبیعی است که پلتفرم، تولیدکننده و محتوای بیشتری در دسترس مخاطب خواهد بود. سبد مصرف‌کاربران متنوع‌تر و گسترده‌تر می‌شود، سلیاق متفاوت‌تری به محصول مورد علاقه خود دست می‌یابند و درمجموع، این مخاطب خواهد بود که پیروز خواهد شد.



ایجاد کرده بود بسیار وسعت داشت و به راحتی آپ خوردن می‌توانست صدای هر جریانی که به مقابله با آن بلند می‌شد را در تطفه خفه کند و اجازه نفس کشیدن به دیگری را ندهد، هرچند از ابزار قانونی لازم برای رسیدن به این هدف بی‌بهره بود، ولی مرجعیت فکری توده عظیمی از کتابخوان‌ها را برعهده داشت و می‌توانست خمیر سلیقه این جماعت را هرطور که تمایل داشت شکل دهد.

اگرچه طی سالیان اخیر، آثار منتسب به جریان ژانر و به‌طور خاص، داستان‌های جنایی ایرانی کماکان نتوانسته‌اند جایی در میان پرفروش‌ترین کتاب‌ها و طبعاً محبوب‌ترین آن‌ها پیدا کنند ولی اقتباس آثار سینمایی و تلویزیونی از داستان‌های معمایی و جنایی ایرانی سبب گردیده تا خوانندگان برای تنوع و ارضای حس کنجکاوی هم که شده به سمت مطالعه منابع اقتباس بروند و نسبت به آن‌ها علاقه نشان دهند. برای مثال وقتی محمدحسین مهدویان تصمیم گرفت «زخم کاری» را براساس رمان «بیست زخم کاری» نوشته محمود حسینی‌زاد جلوی دوربین ببرد نگاه‌های بسیاری را به سمت خود جلب کرد و به محض پخش سریال آمار فروش این کتاب را به چندین برابر حالت عادی رساند. همین یک نمونه برای رد این مد‌عا که مردم داستان جنایی ایرانی نمی‌خوانند کافی است و باید تفکر ناشران را به این سمت پیش بُرد که توجه بیشتری به حوزه ژانر و گونه‌های پروفن‌داتر ادبیات داستانی نشان دهند و به مانند دیگر نقاط جهان به ترفیک آثار جنایی و متعلقات آن در صنعت نشر دامن بزنند تا مخاطبان هدف حق انتخاب بیشتری برای مطالعه این قبیل کتاب‌ها داشته باشند.